

قسام جمله ی پیرو

جمله ی پیرو در کنار جمله ی پایه ، قبل یا بعد از آن می آید و ساختار جمله ی مرکب مشخص می کند که جمله ی پیرو باید به گروه اسمی تاویل شود یا به صفت.

(1) جمله ی پیرو اسمی:

جمله ی پیرو اسمی به مصدر تاویل می شود و در جایگاه نحوی یکی از عناصر جمله ی پایه قرار می گیرد. در این نوع جمله ها ، اغلب پیش از جمله ی پیرو اسمی « ضمیر اشاره » می آید و در موقع تاویل جمله ی اسمی به مصدر ، ضمیر اشاره ای که در جمله ی پایه جانشین جمله ی پیرو است می تواند باقی بماند و صورت تاویل یافته ی فعل ، جمله ی پیرو بعد از آن قرار گیرد.

• از آن می ترسم که او قبول نشود.

در تاویل: از آن قبول نشدن او می ترسم.

(2) جمله ی پیرو وصفی:

گاهی جمله ی پیروی که بعد از اسم می آید، قابل تاویل به صفتی است که وابسته ی آن اسم می باشد؛ مانند:

• شیر در وقت خنده خون ریزد کیست کز پیل مست نگریزد (نظامی ، ص ۳۵)

در تاویل: از پیل مست نگرینده کیست؟

(3جمله ی پیرو قیدی

وقتی که جمله ی پیرو به کمک وابسته سازهای قیدی به جمله ی پایه وابسته شود و فعل جمله ی پایه را به زمان ، علت ، شرط و برخی ویژگی های قیدی دیگر مقید سازد آن ، جمله ی پیرو قیدی است و نوع و مفهوم آن قید با حروف ربط وابستگی موجود در آنها ارتباط دارد که در ذیل به دو مورد آن اشاره می شود:

الف) قید زمان

حروف ربط وابستگی « که ، زمانی که ، به محض این که ، چون ، به مجرد این که ، وقتی که » و مانند آنها جمله ی وابسته ی قید زمانی می سازند.

• وقتی که تو آمدی باران شروع شد.

ب) قید علت

جمله ی وابسته ی قید علت با وابسته سازهای خاص خود ساخته می شود، وابسته سازهای آن عبارتند از: « زیرا که، چون که، از آنجایی که، که (تعلیل)، زان که.»

- ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی نروم جز به همان ره که توام راه نمایی
(سنایی، ص ۱۳۵)
در تاویل: ملکا، به علت پاک بودن و خدا بودن ذکر تو را می گویم.

- بگذار به بالای بلند تو بیالم
کز تیره ی نیلوفر و تشنه ی نورم (امین پور، ص ۵۴)

ج) قید شرط (جمله ی شرطی)

اگر جمله ی پیرو با یکی از حروف ربط مانند: « اگر » که متضمن معنای شرط است یا حروفی که در معنای آن باشند، آغاز شود و انجام جمله ی پایه را مقید و مشروط به انجام

جمله ی پیرو گرداند، در این صورت جمله ی پایه ، در جواب آن شرط و یا بیان معنی یا جزای شرط می آید؛ مانند:

• اگر حرمت عشق را پاس داری
تو را می توان خواند عاشق (شفیعی کدکنی ، ص ۹۴)
شرطی که در فراگرد پیرو می آید، برای بیان یکی از این مفاهیم آورده می شود: فرض ساده،
احتمال، بیان امر محال.

(1 فرض ساده):

-شاهدان گر دلبری زین سان کنند زاهدان را رخنه در ایمان کنند)

(حاف ۱ ص ۴۰۰)

در این حال به وقوع فعل شرط حکم نمی کنند، تنها بیان می دارند که واقع شدن آن
موجب وقوع فعل پایه می شود.

(2 احتمال):

گاهی علاوه بر فرض، احتمال وقوع فعل شرط بیان می شود. در این حال فراکرد پایه، نتیجه ی وقوع فعل شرط را بیان می کند:

-اگر تندبادی برآید ز کنج به خاک افکند نا رسیده ترنج (فردوسی،

۱۲/۳)

(3 بیان امر محال:

گاهی فعل شرط امری را بیان می کند که وقوع آن محال است در این حال مقصود گوینده انکار وقوع فعل پایه، یا بیان محال بودن آن است:

-اگر غم را چو آتش دود بودی جهان تاریک بودی جاودانه (شهید

بلخی، ص ۲۹)

(د) قید تضاد (جمله ی تقابلی)

گاهی در جمله ی پیرو مطلبی بیان می شود که با مطلب بیان شده در جمله ی پایه ی آن، تقابل و مغایرت دارد و در جهت عکس نتیجه ای است که از جمله ی پایه انتظار می رود.

جمله ی تقابلی با پیوندهای « گرچه، هرچند، ولو، با این که، با وجودی که، علی رغم »

آغاز می شود؛ مانند:

• هرچند کار دارم، به دیدن شما می آیم.

• سراپا اگر زرد و پژمرده ایم

ولی دل به پاییز نسپرده ایم (امین پور، ص ۱۲۰)

• دردهای من

گرچه مثل دردهای مردم زمانه نیست

درد مردم زمانه است (امین پور، ص ۶۶)

• گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد ناپدید

هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور (حاف ۱ ص ۵۲۶)

لازم به ذکر است که برخی از وابسته سازهای مرکب قیدی مانند: « وقتی که، زمانی که،

آنگاه که، به مجرد این که، از آنجایی که، به شرطی که» در حکم قید جمله ی پایه می

باشند و جمله های پیرو در واقع وابسته به همین قیدهایی جمله شرط می باشند؛ مانند:

- وقتی که باران می بارید او به راه افتاد.
- او وقتی به راه افتاد که باران می بارید (وقتی: قید)

در تاویل: او وقت باریدن باران به راه افتاد (وقت : مضاف / باریدن: مضاف الیه / وقت باریدن : گروه قیدی)

(4 جمله ی پیرو موصولی)

گاهی جمله ی پیرو در میان بخش های جمله ی پایه قرار می گیرد و نقش وابسته ی اسم را می پذیرد؛ مانند:

-گلی که چیدم، پژمرد >----گل چیده شده پژمرد.

این گونه پیروهایی را که درباره ی اسم یا ضمیری توضیحی می دهند- که آن توضیح را با صفت یا بدل یا مضاف الیه نیز می توان بیان کرد- و وابسته ی آن هستند، پیرو موصولی می نامیم.

اسمی که پیرو موصول قرار می گیرد، اگر اسم عام باشد بین آن و جمله ی موصولی « ی » می آید تا مفهوم آن را محدود و مشخص نماید ؛ مانند مثالی که ذکر شد.

اگر اسم خاص باشد یا اسم عامی که صفتی یا مضاف الیهی به همراه دارد، قبل از پیرو موصولی « ی » نمی آید، در این حال جمله ی پیرو تنها چگونگی اسم را بیان می کند و مفهوم آن را محدودتر و مشخص نمی کند؛ مانند:

• گل مریم که خوشبوست در همه ی گل فروشی ها یافت نمی شود.
اگر بخواهیم مفهوم را محدودتر و مشخص تر کنیم باید بین گروه اسمی و پیرو موصولی « ی » بیاوریم؛ مانند:

• گل مریمی که در خانه ی ما روئیده، بسیار خوشبوست.

تست : کدام گزینه نادرست است؟

الف (پیروهایی را که درباره ی اسم یا ضمیری توضیحی می دهند پیرو قیدی می نامیم.

ب) جمله ی پیرو اسمی به مصدر تاویل می شود.

ج) جمله ی وابسته ی قید علت با وابسته سازهای خاص خود ساخته می شود.

د) یک یا چند جمله ی دیگر را که معنی جمله ی پایه را کامل می کنند، جمله ی « پیرو »

می نامند.